



شب‌نم کرمی
روزنامه‌نگار

(آفاق)

مادران و دوگانه نظارت و استقلال دختران نوجوان

پس از یک سال تلاش فراوان و بی‌وقفه، پدر فقط به شرط همراهی مادر اجازه داده بود دختر نوجوان مستعدش در مسابقات تیم ملی حضور پیدا کند. دختر نوجوان دیگری تنها به شرط حضور مادر در کنارش، اجازه یافته بود در جشن تولد هم کلاسی اش شرکت کند. آن دختر نوجوان دیگر با وجود میل فراوانش نتوانسته بود با برنامه هفتگی کوه‌نوردی دوستانش همراهی کند، زیرا مادر نمی‌توانست کوه‌نوردی کند و دختر هم اجازه نداشت تنها برود.

همه ما موضوعاتی از این دست را مشاهده کرده‌ایم یا با آن دست‌به‌گریبانیم. این رفتارها شاید از دید والدین طبیعی و بحق باشد اما بیشتر وقت‌ها از نگاه نوجوانان آزاردهنده و خجالت‌آور به حساب می‌آید.

این موارد نشان می‌دهد علاوه بر دختران، مادران نیز نیازمند دریافت آموزش و آگاهی برای حفظ ارتباط دوستانه با فرزندان‌شان در سنین مختلف هستند. البته پسرها و دخترها هر یک نیازهای روانی ویژه خود را دارند و با توجه به علائقشان، رفتارهای خاصی هم دارند. بنابراین با شناخت مناسب از خواسته‌های فرزندان، می‌توانیم آن‌ها را به سوی مسیر درست‌تری هدایت کنیم.

دختر نوجوانی که همواره به همراه مادر و پدر در بیشتر امور جدی، تفریحی یا رویدادهای اجتماعی زندگی اش ظاهر می‌شود، خود و هم‌گروهی‌هایش را معذب و در بند می‌داند. او دیگر کودک نیست و نیازمند حفظ استقلال است. از سوی دیگر، با توجه به ناامنی‌های جامعه، نمی‌توان برای والدین نسخه‌ای پیچید که بر اساس آن، فرزند نوجوان خود را آن‌هم در حساس‌ترین دوره سنی کاملاً رها کند. دختر نوجوان به دنبال شناخت خویشتن در همه حوزه‌های زندگی و دست یافتن به یک هویت مستقل است. انتخاب محدوده آزادی می‌تواند یکی از سخت‌ترین وظایف پدرها و مادرها باشد. در سنین نوجوانی، دوستان و هم‌سالان برای فرد اهمیت بسیاری پیدا می‌کنند تا جایی که ممکن است نوجوان برای پذیرفته شدن و احساس تعلق، شبیه شدن به آن‌ها را انتخاب کند. بنابراین فراهم کردن امکان استقلال بیشتر همراه با نظارت صحیح و متعادل می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد.

دختران نوجوان از ترس مخالفت‌های والدین ممکن است در باره رابطه‌ها، محل قرار یا برنامه‌های خود دروغ بگویند. از این رو، بهتر است به آن‌ها اجازه دهیم با دوستان‌شان قرار بگذارند، به شرط اینکه بدون چسبیدن به آن‌ها دقیقاً بدانیم با چه کسانی و کجا می‌روند.

ارتباط نزدیک و صمیمانه والدین و فرزندان سبب می‌شود فرزندان نیازهای اطلاعاتی خود را در منزل و با راهنمایی‌های پدر و مادر به دست آورند و از پناه بردن به دامان دوست و راهنماهای فاقد صلاحیت بی‌نیاز باشند. اینجا نقش مادر در تربیت فرزندان به‌ویژه دختران نوجوان اهمیت ویژه‌ای دارد که نباید ساده‌انگارانه از کنار آن گذشت. در این میان، به‌ویژه راهنمایی و کمک به دختران، به دلیل حساسیت‌های روحی و مسئولیت‌های سنگین زندگی آینده، دقت و توجه ویژه‌ای می‌طلبد.

رابطه مادر و دختر هم‌زمان با رشد دختر به‌ویژه در دوران نوجوانی متحول می‌شود و اختلاف‌نظرها با مادر به سبب تغییرات دوران بلوغ بیشتر می‌شود، زیرا نوجوانی دوره‌ای همراه با بحران‌ها و تعارض‌هایی برای دختران است. بحران هویت اصلی‌ترین کشمکش است که نوجوان در درون خود احساس می‌کند که این موضوع حساسیت‌های مراقبت از دختر نوجوان را به‌مراتب بیشتر می‌کند. برخی مادران تلاش می‌کنند بر همه کارها و برنامه‌های دخترشان همانند کودکی او نظارت کنند. درحالی‌که در نظر گرفتن سن تربیت کودک و نوع برخورد با او در هر مرحله رشد اهمیت بسیاری دارد. رفتارهای کنترل‌گرانه باعث مخالفت و اعتراض دختر نوجوان می‌شود. دختران نوجوان خواهان آزادی‌های بیشتری هستند و کنترل و نظارت افراطی مادران می‌تواند با لجبازی و سرکشی آن‌ها همراه شود. بنابراین مادران بهتر است درک کنند که دختران نوجوان‌شان بیش از گذشته به حریم خصوصی و آزادی نیاز دارند. رابطه مادر و دختر اگر بر اساس اعتماد شکل گیرد، دخترانی پایبند به چهارچوب‌های خانواده تربیت خواهند شد. مادران با درپیش گرفتن روش‌های تربیتی مناسب و تربیت جنسی، دختران خود را برای ورود به اجتماع آماده می‌کنند. شما بی‌شک با دختر خود خیلی حرف‌ها می‌زنید. در ذهن یک دختر نوجوان، موضوعات فراوانی هست که برای حل بسیاری از آن‌ها نیاز به کمک و راهنمایی دارد. اگر درست نمی‌دانید که با دخترتان درباره چه مسائلی باید صحبت کنید، بی‌گمان باید از یک فرد آگاه که می‌تواند مشاور و روان‌شناس هم باشد کمک بگیرید.



شهربانو

۲۳ شهریور
۱۵ آذر ۱۴۰۰
اجمادی‌الاول ۱۴۴۲ شماره ۲۵۲۷

(۲)



نازنین محمدرضا‌زاده
دکتری اقتصاد

(پرتو)

نقش تعاونی‌ها در کارآفرینی زنان

تجهیز زیرساخت‌ها و ابزارهای موردنیاز یک کارگاه تولیدی کوچک برای خودشان سرمایه‌گذاری کنیم. همچنین، با استفاده از راهبر شغلی در هر گروه، آموزش‌ها و مشاوره‌های لازم برای رویارویی با مشکلات به آن‌ها داده می‌شود. تعاونی‌ها به‌عنوان تشکل‌های مردمی و با هدف رفع محرومیت، فقرزایی، بهبود شرایط کار و گسترش عدالت اجتماعی بنا شده‌اند و می‌توانند در سامان‌دهی مشاغل خانگی نقشی مؤثر ایفا کنند. این تشکل‌های مردمی با افزایش توانمندی‌های زنان، سبب قدرت‌بخشی به آنان برای ایفای نقشی برجسته‌تر در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های اجتماعی می‌شود. تعاونی‌ها در گرایش‌های مختلفی از جمله تولیدی، توزیعی و خدماتی فعالیت می‌کنند و تولیدات اصلی آن‌ها در حوزه‌های خدمات، صنایع غذایی، صنایع دستی، گلیم و فرش دست‌باف و کشاورزی است. با توجه به وجود شبکه‌های افقی و عمودی در ساختار تعاونی، این تشکل زیرساخت‌های لازم و بهینه از مرحله تولید تا عرضه محصول را فراهم می‌کند. برخی مزیت‌های ساختار تعاونی برای سامان‌دهی مشاغل خانگی بانوان به شرح زیر است: ایجاد شخصیت حقوقی برای صاحبان مشاغل خانگی، امکان اعطای هدفمند و نظام‌مند تسهیلات و کمک‌های مالی به شاغلان، سهولت بهره‌مندی شاغلان از مزایای بیمه تأمین اجتماعی، ایجاد زمینه حضور مؤثر نمایندگان شاغلان خانگی برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های ملی و منطقه‌ای، اعمال مدیریت واحد ملی و منطقه‌ای بر تهیه و توزیع نهاده‌های تولید، امکان بازاریابی، بازاریابی و فروش کالاهای تولیدی با استفاده از ساختارهای موجود، هماهنگی با سایر تشکل‌های مرتبط با فعالیت (اتحادیه‌های صنفی) و همچنین امکان نظارت و استانداردسازی کالا و خدمات تولیدی.

دغدغه درآمدزایی در منزل برای بانوان به‌ویژه در دهک‌های درآمدی پایین و اقشار آسیب‌پذیر، از مواردی است که به‌تکرار در این سال‌ها که کشور در وضعیت بحرانی اقتصادی قرار دارد، بر سر زبان‌ها بوده و باعث شده است افراد با هر شرایط رفاهی و امکانات دنبال راهی برای راه‌اندازی یک کسب‌وکار و منبع درآمد باشند. آمارهای اقتصادی نشان‌دهنده آن است که نرخ حضور و مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی ۶۱ درصد است، یعنی به ازای هر ۶ مرد، یک‌زن در فعالیت‌های اقتصادی مشارکت می‌کند و این به معنی غیرفعال بودن نیمی از جمعیت ماهر کشور است. با توجه به نقش زنان در تحکیم بنیان خانواده و ضرورت حمایت از زنان سرپرست خانوار و بدسرپرست با محوریت و اولویت خانوادگی‌شان و استفاده از ظرفیت مهارت زنان در حاشیه شهرها و روستاها، همچنین با در نظر گرفتن محدودیت‌های فرهنگی درون خانواده، برنامه‌های حمایتی برای هدایت آن‌ها به سمت شروع اشتغال خانگی و کسب درآمد باید به‌شیوه‌ای باشد که ضمن توجه به محدودیت‌ها و اوضاع هر گروه در خانواده، استعداد هر گروه را شناسایی و آن‌ها را در راستای مهارت تخصصی و استعدادشان مشغول به کسب درآمد و اشتغال به‌صورت گروهی و تخصصی کند. عموماً کسب‌وکارهای مشاغل خانگی زنان با مشکلات مشابه و فراوانی روبه‌روست. اما به دلیل نداشتن توان مالی و علمی بیشترشان پایداری ندارند و با ضررهای روحی و مالی اعضای آن روبه‌رو می‌شوند. این مشکلات در ۴ طبقه روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، اقتصادی و نهادی طبقه‌بندی شده است. راه حل پیشنهادشده برای حمایت از پایداری اشتغال خانگی زنان این است که پس از کشف استعداد و مهارت آن‌ها در یک منطقه شهری یا روستایی، آن‌ها را در قالب تشکل‌های تخصصی مهارتی گروه‌بندی و سرمایه‌های کوچک و خردشان را برای